

خبرهای جهان

اخارجو نامون از روبرو
اعلامیه ای از جانب ژنرال اوت راجع بر ضد های ورشو انتشار یافته حاکی است همه دشمن از آمدن روز چهارم سپتامبر بهارپایا و یونان خند شورا سلبان شور مرکز برین منهدم کردید و اینکه خود از روشنائی محروم گردیدند و مانا را گریز شدید که منظمه کینه شورا را گریز گویند.

از روز بیست و دوم ۱۹۱۴ اوت نیز برین زهره دار امانی شش بار از طرف نیروی هوای متفقین بمباران گردید و در نتیجه خسارات فراوان دیده است.

بر طبق اعلامیه ای که از طرف ارتش چک اسلواکی انتشار یافته است و لشکر آلمانی دوروز بر علیه پهلای سلواکی شرکت دارند و در پیش مناسط روزهای شبعبی در گرفته است.

بنام رضایان مجاز تاخیر - احتیاج می رود که دولت تسلطین زبردت اینچنین اتحادیه عرب اسکندریه که بنیاد روز پنجشنبه بر تشکیل با بداند با بداندگی داشته باشد.

ژنرال ایرون پور - با هم بکارگران بیگانه تفریق کلمان فرستاده و از آنها دو خواست کرده است که بنا بر دستوراتی که نوشته و ادویر با آنها نامه می شود داخل عمل کردند. دستورات اولیه قرار زیر است

کامه دستجات باید مواظب کار خود باشند که برای نایب کارخانه ها ترک گند و معانات بنا برین آلدان با باغزاره کافی سرساز برای تقویت آنها ندارند با با بکارمندان را بعد از تحريم نمودن این حمایت کاران را وارد به خود داری از کارکنان خود نمود.

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۳۰ ۱۳۲۳ آقاي محمد سلطان قاسمی بنشاندنامه شماره ۳۱۵ باستاند بکبرک گراهی نامه و ورسوشت ششسانسه داد خواست بنشاند ۱۹۱۲ ۲۲۱ ۲۲۱ هجده بانگه محمد جعفر سلطان قاسمی داد بنده ششسانسه شماره ۹۸۱۲ در تاریخ ۳۰ ۱۳۲۳ دوتهران جایگاه خود فوت و حین الفوت در متولی منصرف بیک حال دائمی بنام بانو سیده (سلطان قاسمی) و سه سال دخت بنام بانوان زهرا ملقبه بطامت و دوشیزه مرصه ملقبه بنت و بانو محیی سلطان قاسمی و دو نفر پس بنام آذیان احمد سلطان قاسمی و علیعهد سلطان قاسمی منقاص غیر از شش نفر نابردور و دیگری بنام دوس از ششبن گراهی گراهان مرتاسه بن سویت متوالی ماهی بیکار آگهی می شود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترش سر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر سر و صبت نامه از مترش دارد دو طرف مدت مزبور ابراز اولاً هر صبت نامه میرزا و سسی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .
و پس ک داد گاههای بخش تهران عالی اکبر امامی اهلی
نوبت سوم ۱۳۲۳ ۱۲۳۱

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۳۰ ۱۳۲۳ آقاي زینب خانم متولی امامیه بنشاندنامه شماره ۳۱۵۹۹ باستاند یک برک گراهی نامه و رسوشت ششسانسه داد خواست بتاریخ ۲۹ ۱۹۱۲ هجده بانگه عباس سیدی اسفندی دارنده ششسانسه شماره ۳۱۵۹۸ تهران جایگاه هیشگی خود فوت و حین الفوت ورثه متصرفین بیکدیام دائمی بنام بانو زلی خانم متقاضیه و دو نفر پس بنام حسین بنشاندنامه شماره ۹۱ و محمد علی بنشاندنامه شماره ۹۰ و سه نفر دخت بنم سانوان الین ششسانسه شماره ۳۱۵۹۰ و فاطمه بنشاندنامه شماره ۱۷۳۸ و متور میرزا شتر خفر نابردور و دیگری ندارد پس از ششبن گراهی گراهان مرتاسه بن سویت متوالی ماهی بیکار آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مترش سر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر سر و صبت نامه از متولی دارد در طرف مدت مزبور ابراز اولاً هر صبت نامه میرزا و سسی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .
نوبت دوم ۱۳۲۳ ۲۲۳۱
و پس ک داد گاههای بخش تهران عالی اکبر امامی اهلی

مشتن کین محترم

هر که روزنامه شما تا ساعت ۵ صبح تریه با تلفن ۵۷۶ بکارور بخش اطلاع میدهد تا فوراً فرستاده شود

اداره روزنامه اثر

بخیانلاله و اوباساز بهاء جنب روزنامه داوبا منتقل شد

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۳۰ ۱۳۲۳ آقاي سلیمان بزوی پروکات از طرف آقاي مطهاف پنهاس کاشی طبق بنشاندنامه شماره ۸۷۰ ساله ۱۳۲۳ باستاند بکبرک گراهی نامه و رسوشت ششسانسه تقاضای گراهی حصر وراثت نموده بدین توضیح که ذوات پنهاس کاشی فرزندان دارنده ششسانسه شماره ۷۳۵۰ در تاریخ ۱۱ فرورد ۱۳۲۳ دوتهران جایگاه هیشگی خود فوت و حین الفوت ورثه متولی منصرف به دو نفر پس بنام مطهاف پنهاس کاشی بنشاندنامه شماره ۷۸ و بنشاندنامه شماره ۱۰۳۹ و چهار نفر از دخت بنام بانوان فرنگبکی و معزم که در حیات بسر بقاءه خود ورثه اند و بانو بیروین بنشاندنامه شماره ۳۳۸ و بنگال دلماس نام با وصیت بنشاندنامه شماره ۱۷۵۴ هجر اولین ۷ نفر نابردور ورثه دیگری بنام دوس از ششبن گراهی گراهان مرتاسه بن سویت متوالی ماهی بیکار دو سسی و رسو وراثت داد گذشتی و یکی از روز ناموظ مرکز ابلاغ میرساند که هر کسی نسبت بنشاندنامه ذریور اعتراضی داد و در طرف مدت مزبور ابراز اولاً هر صبت نامه میرزا و سسی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .
نوبت اول ۱۳۲۳ ۲۲۳۱
و پس ک داد گاههای بخش تهران عالی اکبر امامی اهلی

طلیحه مجله زبان

روز شنبه ۲۵ شهریور از خوانمن طلحه مجله زبان خود داری نظر ماید.

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۳۰ ۱۳۲۳ آقاي رضا شمس آبادی بنشاندنامه شماره ۱۰ طبق بنشاندنامه شماره ۸۰۰ ساله ۱۳۲۳ باستاند بکبرک گراهی نامه و رسو وراثت ششسانسه تقاضای گراهی حصر وراثت نموده بدین توضیح که مرصومه بانو کس (مجاهد قزاق) زاده بنشاندنامه شماره ۱۶۷۱ در تاریخ ۳۰ ۱۳۲۳ تهران جایگاه هیشگی خود فوت و حین الفوت ورثه متولی منصرف به یک نفر برادر بنام آذی رضا شمس آبادی متقاضی غیر از یک نفر نابردور و دیگری ندارد پس از ششبن گراهی گراهان مرتاسه بن سویت متوالی ماهی بیکار دو سسی و رسو وراثت داد گذشتی و یکی از روز ناموظ مرکز ابلاغ میرساند که هر کسی نسبت بنشاندنامه ذریور اعتراضی داد و در طرف مدت مزبور ابراز اولاً هر صبت نامه میرزا و سسی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .
و پس ک داد گاههای بخش تهران عالی اکبر امامی اهلی

نوبت اول ۱۳۲۳ ۲۲۳۱

م من بینم که تو اهل اینجا نیستی حضور تو بی کوبن مسافرت میکنی ، نمیتوانم تو را بپذیرم . برو نایبند کار کنی و با بدی کنی . و اگر عاجزی و بدبختی کنی بکنی به نایبند مسافرت ممنوعی مرا چکنی .
من گفتند که بیپوچه عاجز نیستم و از او دور شدم . مرد گندهای که در همان حین خاوج شد و جیبی پنهان داشت با مظلوفت تمام بین گفت :
« وین ، لازم نیست به نایبند کار کنی ، مرا چکنی . من نایبند نانوایشان این بخش منضم . بک زانم کم دادیم . با من بیاه . فوری بکار مشغول خواهی شد .
من از این رفیق چان و فخر تشکر کردم و با هزار دانه که با کمال میل خود خرامه کردی ولی نانوایی بلد نیستم .
نگاه شکست آمیزی بین کرد و گفت سلوم است از هوشی خوشم می آید .
من بدبختی روان شدم . چلو بک بنای مطیبه آهنی که روزاه زبانی داشت منوقت شدم . بالای این دو میسبه بزرگ برین تکیه دادند . وراثت یکی بزرگ بود دیگر دو کور . بدبختان نیروی من تقلاز جسم میکرد . در بنظر خانم فرود آراسی می خوشید و مرا ارشاد داشته و بانوهای گراهی خودمان تا نشان از زمین تا آسمان بود . در سالون مرچی که پیش از چهل متر شنبلی داشت وارد شدم .
در این محل سال های سفید و سبکی دیده میشد و ما شنبلیت ها مشغول کار بودند . دور بکینه فلزی کبسه های آرد بخودی خود می آمدند و کارهای آذیناها بازه میکرد و آرد خارج و در طرف های شکر کبسه ریخته میشد و دستهای : فرود آراسی در یک سبیل - مدخل بود و غیره در قالبها ریخته شده و از آنها قالبها میسب میشد بسوی تیز و وسیع و هفتی که مانند دالانی بود وارد میشد . پنج باشتن بر ساق و بر سرکت مواظب این راه ماخینها بودند .
وینم بین گفت :
« این ساقواشانه قدیمی است - برست روی هشتاد دوران اول تو لیمه میکند و این ما شنبلیت ها خیلی شنبلیت و کار گردانی که برای مواظب آذینا لازم است و این جیبی تعداد بر بالای آذینا که آرد وارد میشود .

ایندت دیدیم را بشکل موبیاتی ترک نشاندند و اند و عاشتی را که ولس بدان سیر زمان میکنند تیر اندم . اگر هم مانند تو پیام دورس در خواب سه رن چلو جستم لب تو انم مهمم بر آراسی که خواب می بیند بنایند که خواب منم می بیند . من این آدم که خواب نمی بینم .
در این اندیشه بودم و افکار دیگری نیز از مغیله ام میگشذد و در این حال در جاده دورانی پیش میرفتم . از دور طرف این جاده دروازه های شکر دیده میشد و از آمان خانه های گلی رنگ معنات شکل از خال دیده میماند به بینده تسم میکرد .
ولی همه کز آن بودند . گوی اصدرا دروازه های بزرگ فولاد که آتش و دود از آن بر میامد . بیست میشدند در این ناحیه هادی که نامی من نوازتم بدان قسم ترسو و وحشت سکترما بود و مرا از برضی صریح ما شنبلیت ها مرتش میشد و در سرمد اسکلس در داگی تولید میکرد این جاده به چینی منتهی میشد که دوستان چنه در آن گیر و گریز برای نقش میگردد . گاههای ماده آنجا در جبراً بودند . ششسانم از این منظره روزانه تلفذ میشد و از سری دیگر دیدم که روی جادو صاف و مستقیم دیگری سایه های دوسر گنند با خر کشتان خود منم می خورد . در فومان به اینها تراسوی و اتومبیل های هستنده که از پشت درخت حاجب مواز راه میشتند .
از آنجا دود عبور کردم در سری در چونه ها و چنگنن هاره رفتیم . گمان میکردم گذر بل صمرا قرار دارم ولی نا گهان در مقابل خود خانه های بسیاری که پارکی حاشیه دار اساطه شان سکندره بود متشاهه گرم بزودی چلوهای خوری که منصاری سبکی داشت قرار گرفتیم چیر بر جسته ای صفت این صهارت را زمین میکردم و زم بر جیبی را نشان میداد . از اینبره های این بنامردان و زنانی را که در اطاق بزرگی که بیور میرای مرصه نشسته بودیم دیدم . بروی این زمین ظروف زیادی پرشوری نگاری فرود داشت داخل شدم بنسور اینکه مرمعانه است گرسنه نبودم ولی خسته شدم بود و بنش این سالونی که با گل و دیوهر و دیوای من زمین بود بنظرم لذت بخش بود .
مردی که بپاری در ایستاده بود از من گوین خواست و توتنی دیدم من دستپاچه شدم گفت :

بازی دیگر سر واپلند کرده و در این آسمان ناشناس در این کینه تکبونی که اکنون از زمین نیز مسکون تر شمع بود و از هر سوکان در بریزان ها و پرواره ها و بپاها میسوزند در این آسمانی که ستونی از دود از افق بسپوش میزد کرده بود و چه آفتنا دیدم - خوش بود دیدم . از بدینش نیز گریستن کرد . از بامداد این تنها شکل آفتنا بود که دیدم - از ارتشامش نفیدم که در صدامت بظهور ادویم . ناگهان در میان گروه دومی از زن و مرد که روض و کسوت دسته اولی را داشت و واقع شدم .
با دیدیم که زنان با اینکه بعضی خیلی چاق و برخی خشک و لاغر و جمعی نیز غیر قابل سر زشت بودند بیشتر شان بگردان میبویند . این صبح نیز بگذشت . میدان بطرفته لبینی بود و باهه خالی از اقبال گشت . مانند گویهای حومه شهر شده بود که فقط در مقابل خانه کارگران از کوره ها میجاان . از آن مشاهده می کردم . چلو اولها ایستادند تا بوی آسمان ۲۲۰ آرد اربوبانی را بیکار دیگر خواندم . این بیکر چه منم داشت :
آ طرف تر بیانه ای لظرف کینه استاد اروپا لسانق شده بود که بنامست جزو هرات منتشر گشت . برای فهم این تاریخ و کشف کلی این رمز و سبلیه ای منضم داد - در آنجا نوبت شدم . در گفتا ش میایدیم که چگونه در آخرین سال خرن دیده شد . زبانی قدیم در طی یک طرفان اجتهامی بزرگی منهدم و بعد از پنجماه طرح و مرچ اتحادیه اقوام اروپا تاسیس گشت . « اطلاع » پس سال ۲۲۰ نهاد اروپا مناد است با سال ۲۲۷۰ میسبی - در این تریدی نیست - فقط یک مطلب بیکار باندورشن بشود بگنونه من ناگهان در سال ۲۲۷۰ زنده گی میکنم .
واهی را پیش گرفتیم و میرفتم و بیمنما میانه بشدم بهرود میگفت : « تا اندازی که اطلاع دارم مثل سر نهنگ فرانس در

بازدیدم که زنان با اینکه بعضی خیلی چاق و برخی خشک و لاغر و جمعی نیز غیر قابل سر زشت بودند بیشتر شان بگردان میبویند . این صبح نیز بگذشت . میدان بطرفته لبینی بود و باهه خالی از اقبال گشت . مانند گویهای حومه شهر شده بود که فقط در مقابل خانه کارگران از کوره ها میجاان . از آن مشاهده می کردم . چلو اولها ایستادند تا بوی آسمان ۲۲۰ آرد اربوبانی را بیکار دیگر خواندم . این بیکر چه منم داشت :
آ طرف تر بیانه ای لظرف کینه استاد اروپا لسانق شده بود که بنامست جزو هرات منتشر گشت . برای فهم این تاریخ و کشف کلی این رمز و سبلیه ای منضم داد - در آنجا نوبت شدم . در گفتا ش میایدیم که چگونه در آخرین سال خرن دیده شد . زبانی قدیم در طی یک طرفان اجتهامی بزرگی منهدم و بعد از پنجماه طرح و مرچ اتحادیه اقوام اروپا تاسیس گشت . « اطلاع » پس سال ۲۲۰ نهاد اروپا مناد است با سال ۲۲۷۰ میسبی - در این تریدی نیست - فقط یک مطلب بیکار باندورشن بشود بگنونه من ناگهان در سال ۲۲۷۰ زنده گی میکنم .
واهی را پیش گرفتیم و میرفتم و بیمنما میانه بشدم بهرود میگفت : « تا اندازی که اطلاع دارم مثل سر نهنگ فرانس در

بازدیدم که زنان با اینکه بعضی خیلی چاق و برخی خشک و لاغر و جمعی نیز غیر قابل سر زشت بودند بیشتر شان بگردان میبویند . این صبح نیز بگذشت . میدان بطرفته لبینی بود و باهه خالی از اقبال گشت . مانند گویهای حومه شهر شده بود که فقط در مقابل خانه کارگران از کوره ها میجاان . از آن مشاهده می کردم . چلو اولها ایستادند تا بوی آسمان ۲۲۰ آرد اربوبانی را بیکار دیگر خواندم . این بیکر چه منم داشت :
آ طرف تر بیانه ای لظرف کینه استاد اروپا لسانق شده بود که بنامست جزو هرات منتشر گشت . برای فهم این تاریخ و کشف کلی این رمز و سبلیه ای منضم داد - در آنجا نوبت شدم . در گفتا ش میایدیم که چگونه در آخرین سال خرن دیده شد . زبانی قدیم در طی یک طرفان اجتهامی بزرگی منهدم و بعد از پنجماه طرح و مرچ اتحادیه اقوام اروپا تاسیس گشت . « اطلاع » پس سال ۲۲۰ نهاد اروپا مناد است با سال ۲۲۷۰ میسبی - در این تریدی نیست - فقط یک مطلب بیکار باندورشن بشود بگنونه من ناگهان در سال ۲۲۷۰ زنده گی میکنم .
واهی را پیش گرفتیم و میرفتم و بیمنما میانه بشدم بهرود میگفت : « تا اندازی که اطلاع دارم مثل سر نهنگ فرانس در

نظم آتا طول فرانس

ترجمه کریم کشاورز

بر فراز سنگ سفید

باری دیگر سر واپلند کرده و در این آسمان ناشناس در این کینه تکبونی که اکنون از زمین نیز مسکون تر شمع بود و از هر سوکان در بریزان ها و پرواره ها و بپاها میسوزند در این آسمانی که ستونی از دود از افق بسپوش میزد کرده بود و چه آفتنا دیدم - خوش بود دیدم . از بدینش نیز گریستن کرد . از بامداد این تنها شکل آفتنا بود که دیدم - از ارتشامش نفیدم که در صدامت بظهور ادویم . ناگهان در میان گروه دومی از زن و مرد که روض و کسوت دسته اولی را داشت و واقع شدم .
با دیدیم که زنان با اینکه بعضی خیلی چاق و برخی خشک و لاغر و جمعی نیز غیر قابل سر زشت بودند بیشتر شان بگردان میبویند . این صبح نیز بگذشت . میدان بطرفته لبینی بود و باهه خالی از اقبال گشت . مانند گویهای حومه شهر شده بود که فقط در مقابل خانه کارگران از کوره ها میجاان . از آن مشاهده می کردم . چلو اولها ایستادند تا بوی آسمان ۲۲۰ آرد اربوبانی را بیکار دیگر خواندم . این بیکر چه منم داشت :
آ طرف تر بیانه ای لظرف کینه استاد اروپا لسانق شده بود که بنامست جزو هرات منتشر گشت . برای فهم این تاریخ و کشف کلی این رمز و سبلیه ای منضم داد - در آنجا نوبت شدم . در گفتا ش میایدیم که چگونه در آخرین سال خرن دیده شد . زبانی قدیم در طی یک طرفان اجتهامی بزرگی منهدم و بعد از پنجماه طرح و مرچ اتحادیه اقوام اروپا تاسیس گشت . « اطلاع » پس سال ۲۲۰ نهاد اروپا مناد است با سال ۲۲۷۰ میسبی - در این تریدی نیست - فقط یک مطلب بیکار باندورشن بشود بگنونه من ناگهان در سال ۲۲۷۰ زنده گی میکنم .
واهی را پیش گرفتیم و میرفتم و بیمنما میانه بشدم بهرود میگفت : « تا اندازی که اطلاع دارم مثل سر نهنگ فرانس در

صیقل حیضه اذالین در دل پهلوان دروپی

تیمه از صغیر اول
اگر از روی ظاهر که شناخت کنیم
ایشان را با بادهای مغلوب شده گمان نمود
داشت برای اینکه هنوز بنفاید بسا به
حیضی است که در مسکن ایشان مندر
مانداده .

دکتر آذیان دکتر طاهری و کاشی
و بهیاری و طاهریانی را در حساب خود
گذاشتن بود در تیز دست است با ناسلامتی
که در دست است ایشان را در کربانی
نیگیزانند در روز مخصوصاتی که در آن

دکتر کاروز در جدول مشرق افرا گیسون
منفردین نوده موضوع شنیدند و اصل
مطالعات باقی مانده در قاش کرده
آقای سید بهیاری حوالی سایر رویداد
با بود این آقایان که اختلاف شده
آزموه در گیسون را پیش کشیدند باید
این طرفی از راه ملاحظه بگردند
مخصوصا اضافی افرا گیسون آزادی
نصیر ایستاد و شایع آفات شد
برای اینکه شربت و هوس جاه طلب
سید بهیاری با ن کار بر سر نه در داده
باشند .

اهدای دولت فقط وزارت کشتی ریزی را از مردم دارد

است بدو اموال خود را برای عقیقه
خانی ملاحظه نمود که پهلوانان عقیقه
غیر مسکن است خوانند اعتقاد مندرین
را جاب بکنند و کاشی مردم امروز
از اقلیت برای احمادیت و طرفداری
میکنند که دروش آنها وادارست تعیین
دادند و صرف آنها را وادارست میباشند
و اگر بنا بر اعتقاد مندرین هدایا را از
اصحاب با کم بود عرض شد که با کم بود
من مردم را دولت بخود جیب خوانند
کرد .

مناسفانه شنیده میشود که این سخن
دولت دارد از این بیرون : آقایان کوبا
میخواهند با گرفتن شمشیر و تاختوری
(برای آقای قتل) با را از ممالک با
اکثرت عقب بکشند .

ای که یک سرباز مشرف غرضی را

دکتر کاروز در جدول مشرق افرا گیسون
منفردین نوده موضوع شنیدند و اصل
مطالعات باقی مانده در قاش کرده
آقای سید بهیاری حوالی سایر رویداد
با بود این آقایان که اختلاف شده
آزموه در گیسون را پیش کشیدند باید
این طرفی از راه ملاحظه بگردند
مخصوصا اضافی افرا گیسون آزادی
نصیر ایستاد و شایع آفات شد
برای اینکه شربت و هوس جاه طلب
سید بهیاری با ن کار بر سر نه در داده
باشند .

شاه صابون

بچه از صغیر اول
دو یک بانک جداگانه بیکانه گذاشته میشد . مثلا عوایه فروش زرغن و
ایشان در یک بانک . عوایه فروش رج در یک بانک دیگر و گندم در بانک
دیگر و غیره و اینها واقع
هفتاد میلیون تومان حد متوسطه معاملات املاک درمناوت اخیره بود .
با دو نفر دیگر طرز : خرید املاک از این منبع حیرانه است چنانچه
بزرگه ای چهار میلیون تومان اجازت میگردد صرف در خرید املاک حله
و املاجات و مستلات غیر میباشند (معارضه مسامحتن های تصرفات و مستلات
شهری را چنانکه میباشند شهروری و بیادوار و مغازه و زوایات بیک منبعه
و دانه) و خرید املاک از این منبع بیکبارت . برای اینکه برای
صعود و خروج این سرمایه های حکمت انگیز و سود مند باشد . این
هفته سالی بود در زمانی که بانک ملی و گیسون های اول از فرار نگرهای
محل اطمینان . در صورتی رسیدن مالی که برای عقیقه و ملایز آمده بپرسد
باشند .

باید در این ممالک از جهت وجود مالی که برای دیگران وجود داشت
سرماه اینها ضرور که در سوله میلیون تومان بخرید بیست و پنج
میلون در اول منبع میباشند بدون اینکه بی در دانی بانک و گیسون
اولی بگردند در شکل مختلفه افرا بران صادر و در بنا بکهای خارج و زمزمه
میروند میشد .

صغیر بهیاری در این جهت : محکومیت و محکومیت و سر کبر کردن
دکتر ایند با این که در دو هفته شصت میلیون تومان بخرید بیست و پنج
باز باشد و اخیرین این امر را میگرد . از طرفی در عوایه ثابت بود و شرف
کروا و دولت آن هم در عوایه کرا و او برپا آمد شده که در بانک دولت ایشان
سپرد شده است . با این طرز شرف سالی در طرف املاک شرف سفینش علاوه
بر خدمت بیولوگ که چهارده سال پیش داشته است در عوایه سید . میلیون
در اول با یک نام خارجی املاک در دست ده پانصد تین الکر سیده و شصت
میلون در اول املاک و غیره یک میلیون تومان میشود .

شما صابون و حیضه افرا از زبان در نزد ادبیر فراتی و رفیر سید بود (تا
دارایت به با همه دولت رسیده است .

(البته مقصود او فراد بود . زیرا تومان در عوایه حوالی داشت)
از عوایه اول او چنین بر میآید که با همه میلیون هوس هوس در رضاعان برای
خود تعیین کرده و اذاعه وصل همان میزان مناسف بود و عوایه ثابت با یکی
دیگر از زبان این بن عقیقه رسیده است بخیر . برای اینکه بیچاره و توانمندان
مخارج بکاه منافع دولت ایران است .

باستفاده از عوایه دولت در این جهت : محکومیت و محکومیت و سر کبر کردن
دکتر ایند با این که در دو هفته شصت میلیون تومان بخرید بیست و پنج
باز باشد و اخیرین این امر را میگرد . از طرفی در عوایه ثابت بود و شرف
کروا و دولت آن هم در عوایه کرا و او برپا آمد شده که در بانک دولت ایشان
سپرد شده است . با این طرز شرف سالی در طرف املاک شرف سفینش علاوه
بر خدمت بیولوگ که چهارده سال پیش داشته است در عوایه سید . میلیون
در اول با یک نام خارجی املاک در دست ده پانصد تین الکر سیده و شصت
میلون در اول املاک و غیره یک میلیون تومان میشود .

آثیر

مکرمات

افتراض و نفی

شورای منجمه ایالتی کار گران
شوزستان از امور خبشارکت عیال
لر باج در عوایه برونده سازی بیع
غیبه کاری که موجب اتزل کار گران
بیکانه تیرز شده خصیسه ابراز
تفر و اذچار بود و از رد اشتباهه
و تلای آزادی عوایه آذربایجان حقه
مهد آزادی و مشروطیات است شدید
اعتراض و متوکلین این اعلمیج
عراق و غیره این گوشه غلبه
شما منجمه بیست و دو
شورای منجمه ایالتی کار گران شوزستان

دار شوقی

از ماه

وزارت کشور در نوشت مجلس
شورای ملی و نوشت شکرکرات و مشاورین
رو نوشت دولت کشور در نوشت دولت
رو نوشت رده امروز در نوشت دولت
رو نوشت وظیفه دولت شوقی
ست مجبور و بیون اثره حکم باظهار
شاهان خود را مقرر انجمنی از تیز
درویش بلا عقیقه ای که مندر انجمن
با استناد اسامه اهل قریه اقامت
قرار شورای هیئت برادرم گرفتار
موقوف گردیده است دیگر گرفتار
مادره از استماع قضیه که گرفتار در اقامت
مرکز میباشند اهل قریه اقامت
تطبیع علمای مسلم من موافقت
سی ساله بنام شرح برونده حقوقی
بسال در دادگاه شنیده بنام
حکم دادگاه ملک بنام اقامت
استوار با مقررات کثوری مخالف بروز
اتفاق سواد نظر است و ادا این مبارک
رجال غیرتند که در تمام حوالی
از اقامت بی رسیده است اقامت
در قریه باشد . شکرکرات منظر
و

باز هم افتراض

راه از سفر و اجمع ممالک و
تشیب اولیای امور آذربایجان که بی
هلیه کار گران بیکانه تیرز برونده مساوی
مکنند و من خواهند روی اعمال جنایت
کروا و خالی کار گران برده بوش سالی
منش و متر جم . از هیئت شاه
انظار داوم برای معرزه آزادی
خواهان و ستم گران ایران اقامت شود
و مستکنده استند و از اطلاع پیش از
اینکه شنیده .

شردا افتراض میکلیم

کلیه ابتکاله حزب کرده از طرف
کلیه کار گران و روشندان آزادی
شورای روشندان بدین وسیله مراتب
فرت و از هزار خود را نسبت به حمایت
شاهانه و وسیله های مرتجعین و اریانه
امور آذربایجان در مردود بوسه سازی
بنوع قائلین و جناحان کسان که موجب
قتل کار گران بیکانه تیرز شده اند
ایرا و در محبتین از توشیح که بواسطه
رد اعتیاد و آکل آزاد خواه آذرب
بایجان برده فرد آستان و او آمده
بدشان مشروطیات اظهار تفرند و
نظر متوکلین امورا در بوجات و غیره
گوشه حمایت بر نامه منجمه میباشیم
کینه ایالتی حزب توده شوزستان

دولت در این ممالک از جهت وجود مالی که برای دیگران وجود داشت
سرماه اینها ضرور که در سوله میلیون تومان بخرید بیست و پنج
میلون در اول منبع میباشند بدون اینکه بی در دانی بانک و گیسون
اولی بگردند در شکل مختلفه افرا بران صادر و در بنا بکهای خارج و زمزمه
میروند میشد .

در سخنان پیروزی

روز سه شنبه ساعت ۷ به از ظهر در اجتماع مغارت بلشویک
روئیس اداره تبلیغات مغارت گرای انگلیس و حاسه پیروزی مجاس
چندی شکیل شده بود .
صغیر زادی از اروپائیان در آن دستور داشته سخن از عدالت
و نایبندگن مزاجه ایران نیز نمود . در ده بیس از صرف شده . ظلم
جدی و عینی مزاجه هندی نشان داده شد .
این قبام که سارده آن از اخبار روزنامه تا به کنن استفاده کرده
بود در صحنه سخن نیز بیستی نظیر .
چش در گمان کار و صیبت خانه بافت

حرفهای اقلیت سر اصول است

اقلیت باغشودین سخن فراموش است
توده حلا باغشودین برای ساعده صحت
لیکنند . اینها میگردد انگیزت اصول
را از این بیرون فراموش است
بنام مجلس وزیر شراعت . اصلاحات
وزاره از اشتیاق اسم را پس دولت
است و نظر همه مخالفین است که
ساعده با باقی باقی اقلیت میباشند
تشکیل بدهد این کرد اصول است
و باید به بشود . اگر اقلیت پیش
نیاید آذربایجان مجاس عملا از بین
گرفته بود
با بود این درجه رسم شراعت
مراسم تحلیف چند نفر از نمایندگان کار
دیگری توشیحت انجام بدهند بدین
واسطه از توشیح و توانایی خود در اوقات
کل مزاجه بر این خطر وانی در تری
خود را گزینند خود نمایان دانند
بازی میکنند هیچ ملاحظه کاینه فرما
بصد از اعتدال شرط نکنند .

سخنای اکثریون و فک ندارد

اگر فرض بکنیم بدهد بی این
شده و فک کردیم از آنجا حالت دست
بر می دارد است
هچین آقای بهیاری و سایرین
میخواهند بر زبان باشند اقلیت را از
کرده بجا به .
و در همین جهت بودند که
بدون حضور آنها هم اکثریت خوانند
داشت .
ولی اقلیت در جای خود حکم
و ثابت بود .

از اکثریت افغان چندین
با اکثریت حالی کرده که کار با این آسانی
هم نیست . اکثریت هر چه دلش خواهد
تواند انجام بدهد آنچه اکثریتی که
پایه و اساس ندارد اکثریتی که
روی تیرک و شیعه تشکیل شده است
آدمی اکثریتی که پیشندان آن بدوام
بقای آن میباشند .

بوی از جهت روز سه شنبه آقایان
بوخت افتاده تمام ممالک خود را برای
جلب مغربین بکار میروند .
مطالعین میگردد تیرز در کربها
و اطراف و سایر ساندون روس گیسون
و بیرو و مغارت شده شنیده شده
میباشد اکثریون میخواستند در شتر کرده
کاروا دست کرده آسوری از دست
رفته خود را در مجلس سفین خاطر
نگردای بکنند .
تلخ و چاسایی و تطمیع و بکار
انداختن تمام و سالی شده بازی وراج
کامل داشت و این مغربین توده و تعمیم
نوع ثابت و معتمد بودند
اقلیت از فعالیت افرادی مایوس
بود بر صیبت برداخته آقایان مغرب
دکتر طاهری و بهیاری و دکتر زنگنه
سواد اقلیت امروز مکرره مغربین
خواستند .
شبهیم آقای دکتر طاهری حشر را
بجای بسیار بار یک کشانده کرده است

اینچو نمایندگان هم هستند

مخصوصا مورد گفتار شده دکتر
کاروز اظهارات گفتار آقای است بود
است بگویند نماینده تیرک بوده
پس از قلمه پای طول دوازده گانه
درجایی با یک فراموش باشد
تمام افرا گیسون ها منظره بود
توجه باقی نمایندگان کار گران
این هم یکنوع نماینده قومهوری است
که فقط در دوره چهارده می توانست
و مجلسی پیدا میشود

اکثریت نبود

مؤالین سیاسی دلشان میخواست
اکثریت بدست آرزوه جابه نشانی
و صیبت و دولت را مری بکنند ولی
شده . ناچار دوباره نزد اقلیت سالی
فرستاد خواهش کرده در امری مغرب
بهر رسانند و در آن درجه روز دولت در
جله روز مغرب سرطانت بکنند
تا به میکنند که دولت ندارد
و آقایان مغربین از بیم شکست سخت
درنگار افتاده رفته و بعد از آن